

مروری بر معانی القرآن

مسعود مهدوی

آنچه در پیش رو دارید نگاهی است گذرا و نه چندان موشکافانه بر ترجمه ای که مترجم محترم، سعی بر آن دارد تا نام «تفسیر» بر آن بگذارد؛ تفسیری که در جهت احتیاجات و نیازمندیهای فکری توده مردم و پاسخگویی به مراجعات قرآنی ایشان باشد.

اما واقعیت نیز چنین است و می توان ادعا کرد ترجمه ای چنین، چون در دسترس عوام قرار گیرد، از نابسامانیها و کمبودهای فکری ایشان در حوزه پیام و محتوای آیات قرآن دردی دوا خواهد کرد؟ یا این که چه بسا در مواردی این ترجمه نیازمند ترجمه و تفسیر مجدد است و یا احیاناً گاه سطح معارف بلند قرآن را در حد سخنانی عامیانه و کوچکی بازاری تنزل داده است که تلاوت گران مبتدی را گرفتار این پندار می کند که کلام خالق هم، کلامی است در حد سخنان روزمره آدمیان و نه چیزی فراتر از آن! داوری در این باره را به اهل دقت و نظر وا می نهمیم و به تأمل در متن ترجمه «معانی القرآن» و اشاره به برخی نکات اکتفا می کنیم.

ترجمه یا تفسیر

آنچه در نخستین نگاه توجه هر خواننده آشنا با ترجمه و تفسیر را به خود جلب می کند، این نکته است که محصول قلم ایشان آیا ترجمه است و یا تفسیر؟ به طور قطع می توان ادعا کرد (با وجود اصرار نویسنده محترم در تفسیر بودن آن) ۸۰ درصد کتاب خالی از ابعاد و نکات و اشارات تفسیری است و در بخش عمده ای از آیات، تنها به ترجمه ای ظاهری و تحت اللفظی اکتفا شده است و نویسنده محترم شیوه مشخصی را در پردازش ابعاد تفسیر آیات برگزیده است، بلکه بیشتر براساس اجتهاد و سلیقه شخصی خویش در مواردی چند، توضیحات و اشاراتی تفسیری را متذکر شده است و مواردی بیشتر و چه بسا گاه مهمتر را نادیده انگاشته و از بیان ابعاد تفسیری آیات لب فرو بسته است.

از دیگر سو، موارد تفسیری نیز آمیزه ای است از ترجمه و تفسیر، همراه با ابهاماتی چند! آنچه اکثر قریب به اتفاق قرآن پژوهان بر آن متفقند، ضرورت تفکیک میان ترجمه و تفسیر و جداسازی مرز میان این دو است. ضرورت این امر بر این اساس نیست که در جهت انتقال مفاهیم و معانی بلند آیات وحی، زبان ترجمه رساتر و گویاتر است یا زبان تفسیر؟ و آیا در جهت اطلاع رسانی به جویندگان پیام

قرآنی، ترجمه ابزاری کارآمدتر است یا تفسیر؟ بلکه لزوم تفکیک و تمایز میام کلام بی بدیل وحی را در هم‌نشینی حتی با زیباترین و فنی‌ترین کلمات تفسیری، مشخص و متمایز گرداند و باروی آوری به ترجمه ای رسا و گویا، امانت را در انتقال کلام الهی رعایت کند. البته ما نیز به این واقعیت معترفیم که دخالت عنصر تفسیر در برخی آیات چون آیات احکام و معارف و گزارش وقایع احساس شود، بایسته تر این است که این امر در قالب نشانه‌ها و علائم نگارش و یاد در ضمن پانویسها صورت پذیرد، تا از خلط و به هم آمیختگی آن با متن پرهیز شود لیکن در آمیختن قرآن با سخنان بشری و احیاناً درست و نادرست (از خود و یا دیگر مفسران حتی به انگیزه تبیین دقیق محتوای آن) در مقام ترجمه توجیهی ندارد و چندان قابل اعتماد هم نخواهد بود. کاری چنین، در واقع نه ترجمه است و نه تفسیر.

اما چنانچه تلاش «معانی القرآن» را کاری تفسیر بدانیم، ویژگیها و ضرورت‌های کار تفسیر نیز در آن مشهود نیست، چه این که هر برداشت و تفسیری از قرآن، باید متکی به دلیلی مفهوم و معتبر باشد و هرگاه مفسر آرای خود را بدون استناد و استدلال یاد کند و قرینه‌ای بر صحت آن از مفردات، ترکیبات، سیاق آیات، دلایل عقلی و نقلی و نکات ادبی و بلاغی ارائه ندهد، آن تفسیر از اعتبار لازم برخوردار نخواهد بود و در نگاه قرآن پژوهان، تحمیل آرای شخصی بر قرآن تلقی خواهد شد و نه تبیین مفاهیم وحی! سوگمندانه چنین مشکلی در ترجمه و یا تفسیر جناب آقای بهبودی مشهود است.

البته بعید نیست که شخص ایشان در مقام دفاع از آرای تفسیری خود، دلایلی در کمون ذهن و خاطر خویش داشته باشد، ولی دلایل ناگفته ایشان تا زمانی که در کنار آرای تفسیر ثبت نشود و گفته نیاید، نیازی را در فرایند تفسیر برآورده نمی‌سازد و گرهی را نمی‌گشاید و خلاصه این که خواننده تفسیر ایشان از کجا می‌تواند به دلایل آن جناب پی ببرد و چگونه می‌تواند با عدم آگاهی از دلایل مفسر یا مترجم، مهر صحت و تأیید بر تمام آرای وی نهد!

آشنایی با پیام آیه و زوایای پنهان آن، در پرتو اطلاع و دستیابی به گفته‌ها و محتویات تفاسیر، برای مترجم قرآن کافی نیست، هنر و ظرافت در این است که وی بر این مهم، توانا باشد که آن رموز و نکات و اشارات را (که به هر صورت در امر ترجمه اجتناب ناپذیر است) به گونه‌ای طرح و بیان نماید که به حقیقت ترجمه خدشه‌ای وارد نیاید و کلام مفسر با اتکا به دلیل و مدرک در کنار کلام خالق، بازشناخته شود.

مهمتر از آنچه گذشت، این نکته است که بخشها و فرازهایی را از این اشارات تفسیری، آرا و انظاری برگزیده شده است که از دیدگاه صاحب نظران و دانشوران علم تفسیر، مطرود و ناپذیرفتنی است و این عدم پذیرش، نه فقط از آن روست که این برداشتها تفسیری صحیح و مطابق برای آن موارد نیست، بلکه چون اعتقاد به انطباق آیات قرآن بر چنین مطالبی زمینه‌های انحراف و کجروی در حوزه معارف دین رافراهم می‌آورد. اعتقاد به شگفت زدگی پیامبر ﷺ از زیبایی بنت جحش، که مبتنی بر روایتی ضعیف است و یا حکم به حواز مزه مزه کردن شراب برای معتادان به آن، که اساساً تفسیری غلط از آیه شریفه است و نیز چشم پوشی سلیمان نبی از نافله نیمروز به عشق مشاهده جمال اسبهای نجیب عربی! گمان نمی‌رود اعتقادی بصواب و بایسته و دفاع از «خط پیامبران» باشد.

آیا برآستی طرح آرای تفسیری غیرمستند در زمینه برخی آیات متشابه و پیچیده، به گونه ای که زمینه نشر و ترویج اسرائیلیات و جعل و دسّ درحوزه معارف و حی رافراهم آورد، خدمت به ساحت مقدّس قرآن است؟ و آیا با ذکر نکاتی چون «پرکشیدن خدای تعالی به سوی آسمان» و «خطاکاری فرشتگان»، «احیای اندیشه برتری جنسی» و «پرداختن خداوند به رتق و فتق امور و مطالعه فرمان پس از استقرار برعرش اقتدار خویش» و یا مطالبی چون: «جذام زدگی ایوب پیامبر» و دیگر موارد مشابه، که احیاگر اندیشه های ناصواب قرون وسطایی و مسیحی درباره خدا، پیامبران، معاد و دیگر باورهای دینی و اعتقادی است، گرهی از مشکلات و نابسامانیهای اعتقادی و فکری نسل دین باور و دین شکاک عصر حاضر، خواهدگشود؟ یا همان گونه که ذکر شد، این گونه پرداختن به تفسیر قرآن تنها زمینه و مجال مناسب را فراهم می آورد که افکار مادی و تجسیمی چونان خرافات و بافته های اهل کتاب در زمینه وحی و قرآن، رسوخ و پرورش یافته و برسر قرآن آن بیاید که بر عهد قدیم آمد.

خلط کلام خدا با خلق به بهانه تفسیر

یکی از نکات مهم و اساسی در امر ترجمه و برگردان متنی چنین مقدّس که بنیان و شالوه نظام دنیا و معاد بشر را در گستره حیات وی پی ریزی می کند، مسأله حفظ ارزشها، ظرافتها و اصالت پیام قرآن است. به تعبیری:

« ترجمه قرآن باید چنان باشد که درعین روانی، از فخامت تعابیر آن نگاهد و مضامین آن را در سطح نازلی فرود نیاورد، بلکه کلمه علیای الهی را بر فرازد و قلوب مردم را به سوی این کتاب چاره ساز و درمانگر دردها و رفاه آفرین و سعادت پرداز و شقاوت سوز جلب کند.»^۱

بنابراین، روا نخواهد بود که به انگیزه تفسیر کلام خدا، آن را به گونه ای با کلام عادی خلق (ونه حتّی با کاربردهای تفسیری و فنّی) در آمیزیم که از هم ممتاز نباشد و هر ساده انگاری بیندیشد که کلام حقّ و برخاسته از منبع غیب، کلامی عادی و عوامانه چونان سخنان مردم کوچه و بازار است و برای فهم راز وحی باید به سراغ فرهنگ محاورات عامیانه رفت، چرا که کمترین نتیجه و بازتاب چنین اقدامی، محو ابعاد، ظرافتها و نمودهای اعجازین قرآن در پرتو الفاظ، عبارات و کاربردهای نابسامان است.

ما نیز مانند نویسنده محترم «معانی القرآن» قبول داریم که کار ترجمه قرآن بیشتر در جهت تفهیم مطالب وحی به کسانی است که آشنای عمیق با زبان عربی و دقایق فنّی و تخصصی زبان فارسی ندارند و بدین جهت مترجم باید سادگی و روانی را در ترجمه خویش ملحوظ بدارد، لیکن ساده انگاری و روان نویسی نباید اصالت و عمق اسلوب ویژه واژگان و گزاره های قرآنی را مخدوش سازد. تسامح در مقام ترجمه به بهانه تفسیر و اقدام به برگردان پیام و مضامین قرآن در قالبهای گاه فراروشنفرانه و گاه فروعامیانه، این خطر را در درازمدت در پی خواهد داشت که ترجمه و تفسیر چنین، بتدریج حکم واقع

^۱ . سید محمد باقر حجتی ، فصلنامه ، مترجم ، شماره ۱۰۰، ص ۵۴.

و متن را به خود گیرد و زواید و اضافات، به عنوان کلام خدا تلقی شود و قرآن نیز چونان کتابهای آسمانی محرف موجود ترجمه و تفسیر گردد و این تسامحی است توجیه ناپذیر! اکنون به جای تفصیل درباره هر موضوع و مقدمه چینی برای آن، به متن «معانی القرآن» می پردازیم و مسائل مورد نظر را با ارائه نمونه ها به نقد و بررسی می نشینیم و به منظور پیشگیری از خلط مباحث، مسائل مورد بحث را در نه عنوان مطرح می کنیم:

۱. آمیختگی ترجمه و تفسیر

* بقره / ۲۹: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...»

به مردم خاطر نشان ساز که پروردگارت به فرشته های سنا گفت: می خواهم در روی زمین نسلی دیگر جایگزین سازم، آماده فرمان باشید، فرشته ها گفتند آیا باز هم نسلی دیگر در کره خاکی جایگزین خواهی ساخت که چون پیشینیان در عوض تسبیح و تقدیست تباهی بینگیزند و خون بریزند با آن که ما در پهنه زمین از دشت و دریا و کوهستان و صحرا تورا ستایش و تسبیح می کنیم و به تقدیست زبان گشاده ایم.

* بقره / ۱۴۳: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»

ما با این قبله جدید که نقطه ثابتی در روی زمین باشد شما مسلمین را امتی ساخته ایم که در حد اعتدال است. یهود و نصاری هر جا که باشند دو جبهه مخالف تشکیل می دهند و در نماز خود به هم پشت می کنند یک جبهه روبرو شرق و یک جبهه روبرو غرب و شما با این قبله ثابت با هیچ امتی جبهه بندی ندارید اگر قبله شما در شرق شما باشد با نصرائیان همگام می شوید و اگر قبله شما در غرب شما باشد با یهودیان در یک جهت می شوید و در عین حال و در هر حالت استقلال خود را تثبیت کرده اید ما این قبله را مقرر کردیم تا امت شما بر سایر امتها سند و گواه اعتدال باشد و این رسول ما هم بر شما سند و گواه اعتدال باشد.

* بقره / ۲۳۸: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»

زندگی انسانها به خاطر آزمون دچار مشکلات است و زیر و بم آن نه تنها معاشرت آنها را مختل می سازد که چهره عبادتها را نیز دچار نوسان می سازد. اینک در سه نمازی که بر شما فرض است بر مراقبت خود بیفزایید و تعداد رکعات و ارکان و فرایض و شرایط آن را بدون خلل انجام دهید خصوصاً نماز مغرب که بعد از نماز صبح و قبل از نماز عشاء ادا می شود و از هر جهت میانگین است... .

* نساء / ۱۲۳: «لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِيَّ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا»

«...»

داوری قیامت بر اساس مسطورات شما نیست و نه بر اساس مسطورات بهود و نصاری که آرزوهای خود را در قالب دعا و روایت منعکس ساخته اند: هر کس کار بدی مرتکب شود باید مکافات آن را ببیند. خواه شیعه باشد و خواه اهل سنت. خواه یهودی باشد خواه نصاری و گرچه نماز بخواند و روزه بگیرد و زیارت کند و یا از نسل انبیا باشد... .

* توبه / ۴۹: «وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِّي وَلَا تَفْتِنِّي اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا...»

یک تن از آنان می گفت: به من رخصت بدهید تا از این بسیج عمومی خودداری کنم، مرا با زنان رومی به آزمون نگذرید که اگر من زنان رومی را اسیر کنم قبل از موعد مقرر تاب و طاقت خود را از دست می دهم...»

﴿انعام/۱۳۷﴾: «وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاءَهُمْ لِيُرُدُّوهُمْ وَلِيَلْبَسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ...»

به همین صورت که ارواح خبیثه شیطانها آراء خرافه را در مورد دامها و دانه‌ها زیب و زیور بستند و به گوش مشرکین فرا خواندند تا به مراحل اجرا در آمد این خرافه را نیز به گوش آنان زمزمه کردند که: «هر کس بخواهد به مقام خلت برسد باید مانند ابراهیم، نخست زاده خود را به قربانگاه ببرد تا اگر خدا خواسته باشد و فرزند او را بپذیرد قربانی او را قبول کند و اگر نخواست باشد فرزند او را به پدر ببخشد آن چنانکه اسماعیل را به ابراهیم بخشید» ارواح خبیثه این گناه عظیم را در انظار مشرکین آذین بستند...»

﴿اعراف/۳۲﴾: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ...»

می گویند: به هنگام ورود به معبد سر و صورت رت با شانه و عطر نیارایید و لباس نپوشید که معبد جای انکسار خاکساری است، نه جای جلوه فروشی. می گویند که روز عبادت و حضور در معبد بیش از قوت لا یموت تناول نکنید و فراوان نپوشید که با گند و بوی خود فضای معبد را بیالایید بگو زینتهای طبیعی ...»

﴿نحل/۱۲۴﴾: «إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...»

تعطیل شنبه برای آن بود که هر کس شغل خود را وانهد و به خود و خانواده خود و ارحام خود پردازد تا همگان هفته‌ای یک روز در کنار هم به شادمانی و استراحت پردازند. این دستور تورات تکلیفی نیست که بر دوش مردم سنگینی کند. سنگینی این تعطیل فقط بر دوش کسانی قرار دارد که با تقلید از فقیهان خامشان در تفسیر مشاغل اختلاف کردند و در اثر افراط و تفریط از سی و نه کار زندگی حتی از افروختن آتش و خاموش کردن آتش و پختن غذا محروم شدند و روز تعطیل خود را با تناول غذای فاسد و یا نیمه فاسد روزهای قبلی گذرانند. به یقین پروردگارت روز قیامت میان همه آنان در همه اختلافاتشان داوری خواهد کرد.

﴿قصص/۲۷﴾: «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَةَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ...»

پیر مدین به موسی گفت: من میل دارم که یکی از این دو دختر را با تو تزویج کنم با این شرط که هشت سال اجیر من باشی و به کار شبانی و مراقبت از احشام من پردازی. برای من حضور هشت ساله تو ضروری است تا پسرم هجده ساله شود و بتواند از گوسفندان ما مراقبت به عمل آورده و اگر تو ده سال را کامل کنی تا پسر خرد سالم بیست ساله شود به میل خودت کرم کرده‌ای و خاطر من آسوده تر می شود، من نمی خواهم که در گذران زندگی و معاش روزانه به تو سخت بگیرم ...»

۲. اشتباهات و تسامخهای تفسیری

بقره/۱۹۱: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ...»

در راه آنان کمین کنید و هر جا که بر آنان دست بیاورید آنان را بکشید و از شهر و دیاری که شما را بیرون راندند بیرونشان برانید. ما به شما حق کشتن داده‌ایم، ولی شکنجه سخت تر و بالاتر از قتل است از این رو شما حق شکنجه ندارید گر چه آنان شکنجه گر باشند ...

مائده/۹۴: «لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا...»

برای آن کسانی که ایمان آورده‌اند و دستاورد صالحی دارند و در عین حال معتاد به شرابند گناهی نیست که برای رفع اعتیاد و خماری یک جرعه شراب حرام را به دهان کنند و بچرخانند در صورتی که تقوا پیشه کنند و از فرو رفتن شراب در حلقوم خود بپرهیزند و با ایمان و عمل صالح شراب را از دهان بیرون ریزند و سپس یک جرعه دیگر بدهان کنند و بپرهیزند که شراب به پائین رود و با ایمان به این عمل شراب را از دهان بیرون ریزند و در نوبت سوم یک جرعه دیگر از شراب حرام را در دهان بچرخانند و باز هم بپرهیزند که شراب را فرو ندهند ...

احزاب/۵۲: «لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ...»

«...»

بعد از این تاریخ که خانم‌های خدا و رسول را اختیار نمودند و از اعتصاب خود دست کشیدند بر تو روا نخواهند برد که بر تعداد خانم‌های بیفزایی و نه آنکه خانم‌های را بدل کنی و با طلاق یک تن از آن خانمها، خانم دیگری را به نکاح خود درآوری گرچه مانند زینب از زیبایی او به شگفت آبی مگر آنکه کنیزی باشد که او را به تملک در آوری ...

ص/۱۶: «وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَآ قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ»

گفته‌اند که پروردگارا ما جایزه آخرت نمی‌خواهیم، جایزه ما را از حورالعین، نعمتهای بهشتی قبل از برپایی روز حساب به ما پرداخت کن که تاب انتظار نداریم ...

ص/۳۲: «إِذْ عَرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ...»

«...»

آن روز به هنگام عصر اسبهای نجیب عربی بر او عرضه می‌شد که برای خود و سپاهیان خود انتخاب نماید سلیمان این اعتراض را در چهره حاضران خواند که چگونه مانند فرعونیان با شیفتگی به سان اسبها پرداخته است و نافله نیمروز خود را فراموش کرده است، لذا در پاسخ آنان گفت: من امروز به فرمان خدا واری اسبها را که بهترین یار مجاهدین است بر یاد خدا ترجیح دادم ...

معارج/۱: «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقِيعٍ»

روان شد مایعی سیال با عذابی که سقوط خواهد کرد ...

قیامت/۳۵: «ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ...»

سپس با خمیازه به سوی خاندانش راه بر گرفت - تو را چه تناسب که با قرآن آشنا گردی. شایسته‌ات همان خواب ناز است و آغوش باز زنان - بعد از آن هم شایسته‌ات همان خواب ناز است و آغوش زنان ...

﴿فیل/۳﴾: «وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ»

و چند دسته از سنگهای پَران بر سر آنان نفرستای؟

۳. ارائه مطالبی موهم نظریاتی تجسیمی و خلاف اعتقادات

﴿بقره/۳۶﴾: «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ...»

ابلیس بداندیش آن دو را از بوستان بهشت فرو لغزانید و از آن نعمت بی کران بیرون راند و مت به همگان از آدم و حوّا و ابلیس و فرشته‌ها و همه نسل بشر گفتیم: به زمین فرود شوید با آن ستیزه و دشمنی که همراه خود می‌برید.

﴿بقره/۲۹﴾: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ...»

او همان خدایی است که نعمتهای زمین را برای مهمانی شما مردم آفرید سپس به سوی آسمان پر کشید و گازهای آسمانی را در قالب هفت پیکر آسمانی پیراست...

﴿نساء/۳۴﴾: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...»

مردها بر سر خانمهایشان ناظر و قیومند از این رو که مردها بر زنها از حیث خرد و رشد اجتماعی فزونی دارند: یک دکتر مرد بر دکتر زن برتری دارد و یک حمّال مرد بر حمّال زن ترجیح دارد ...

﴿اعراف/۴۶﴾: «وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ...»

میان بهشتیان و دوزخیان تیغه دیواری از خاک و شن حائل است و بر تیغه‌های این دیوار مردانی در مانده بر جا مانده‌اند که بهشتیان و دوزخیان را در طرفین دیوار با نشانه‌هایشان می‌شناساند ...

﴿یونس/۳﴾: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ...»

به یقین پروردگار شما همان خدایی است که آسمانها و زمین را ظرف شش روز آفرید و سپس بر عرش اقتدار خود قرار گرفت و به رتق و فتق کارها و مطالعه فرمانها پرداخت ...

﴿ص/۴۴﴾: «نَا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ»

ما اَبوب را بر صفت جذام، صبور و شکیبایافتیم، اَبوب بنده خوبی بود ...

﴿زمر/۷۳﴾: «وَسَيَقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا...»

آنان که از خشم پروردگارشان در هراس بوده‌اند، دسته دسته به سوی بهشت برین رانده خواهند شد و در فضا می‌روند تا چون به سیاره بهشت در آیند درهای بهشت به روی آنان گشوده می‌شود ...

۴. خط کلام خدا با خلق

﴿بقره/۱۵۵﴾: «وَكُنُوزِكُمْ بِشْيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ...»

ما با انواع ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و آفات سر درختی و پا درختی شما مردم را در بوته
آزمون می گذاریم... .

«آل عمران/۴۱: «قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا...»

رکریا گفت: پروردگارا برای من نشانه‌ای مقرر کن که من وقت مباشرت را بشناسم و بدون طائل با
همسر در نیامیزم سرش الهی به او گفت ...

«آل عمران/۹۷: «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا يُبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...»

در آن درّه نشانه‌های روشن خدایی برقرار است و از جمله مقام ابراهیم که بر آن ایستاد و دیوار کعبه را تا
نه ذراع سنگچین بالا برد ...

«نساء/۲: «وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا»
مال ایتامی را که در کفالت خود گرفته‌اید به آنان رد کنید خرمای فاسد خود را عوض خرمای مرغوب
مطبوع آنان بر سفره آنان نگذارید نان مرغوب آنان را با نان نامرغوب خود یکجا کنار هم بر سفره
نگذارید، با هم تناول نکنید که احیاناً نان و خرمای مرغوب آنان به مصرف دیگران برسد.

«مائده/۷۷: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا

«...»

ای صاحبان کتاب آسمانی در دین خود گزافه مگویید و از حق تجاوز میکنید شما افکار آن مردمی را دنبال
نکنید که پیش از شما کافر شدند و جمع کثیری از مردم هند را گمراه کردند... .

«مائده/۸۹: «لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ...»

... خداوند رحمان شما را در برابر سوگندهایی که بیهوده و بی هدف بر زبان جاری می‌کنید و می‌گویید:
به خدا نمی‌خورم، به خدا نمی‌پوشم به خدا نمی‌شنوم مؤاخذه نخواهد کرد، بلکه شما را در برابر آن
سوگندها که با هدف معین و از روی فکر و اندیشه بر زبان جاری می‌کنید و تعهدی را پذیرا می‌شوید
مؤاخذه خواهد کرد، اگر بگویید به خدا قسم دیگر سیگار نمی‌کشم ولی بعداً قسم خود را بشکنید و سیگار
بکشید گناه بزرگی مرتکب شده‌اید... .

«توبه/۳۰: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ غَزِيرُ ابْنِ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَوْنَ قَوْلَ

الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ...»

درست است که یهودیان گفتند: عزیر پسر خداست و نصاری گفتند: مسیح پسر خداست ... آنان سخن
کافران پیشین را تقلید کردند که چون فلاسفه هند می‌گفتند: کرشنا پسر خدا بود که نام خدا را در زمین
زنده کرد خداوند شان بکشد ...

«توبه/۷۳: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ...»

ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن ... و در هر حال بر آنان سخت بگیر و خشونت کن از این پس
حنایشان را رنگی نیست و در دنیا خوار و ذلیلند.

«هود/۸۲: «فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيلٍ مَّنْضُودٍ...»

چون فرمان ما رسید و آن سنگ عظیم آسمانی در کنار شهر آنان فرود آمد، خانه‌ها را زیر و زبر کردیم و سنگریزهای سیمانی را به صورت رگبار بر سر آنان بارانیدیم رگباری با نظم و ترتیب از قلوب سنگها و از پی آن سنگپاره‌ها و تگرگها و ماسه‌ها ...

«یوسف/۵۹:» وَكَمَا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ قَالَ اِتُّونِي بِاَخٍ لَّكُمْ مِّنْ اَبِيكُمْ...»

یوسف آنان را به مهمانخانه عمومی دعوت کرد و از حال و روز آنان جويا شد. برادران یوسف از پدر خود یعقوب و برادر گمشده خود یوسف و برادر دیگرش بنیامین سخن بسیار گفتند و برای بنیامین و پدر که در وطن مانده بود تقاضای جیره گندم کردند. یوسف به آنان گفت اتفاقاً در همین مصر یک برده کنعانی بود که می‌گفت: برادران ناتنی من با حيله مرا از پدر جدا کردند و برای گشت و گذار به صحرا بردند، ولی در چاه کنعان رهايم کردند و رفتند. برادران یوسف از ترس آن که یوسف در آن شهر باشد و آنان را بشناسد هر چه زودتر عازم مراجعت گشتند و یوسف چهار حواله به نام آنان صادر کرد و به آنان تذکر داد در نوبت بعدی آن برادر ناتنی خود را همراه بیاورید...

«نحل/۷۴:» فَلَا تَصْرِبُوا لِلَّهِ الْاَمْثَالَ اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ...»

پس شما برای خداوند رحمان از این جا و آن جا مثل نزنید و نگویید: مثل خداوند جهان مثل آن مالک کلّ است که اداره املاک خود را به مباشرانش واگذار کرده باشد و یا مانند بانکداری است که حساب اموالش را به محاسبانش سپرده باشد و یا مانند سلطانی است که اداره کشورش را به وزیرش سپرده باشد و تنها از نتایج کار آنها با خبر می‌شود، خداوند جهان مثل خود را می‌داند و شما نمی‌دانید ...

«ص/۶:» وَاَنْطَلَقَ الْمَلَكُ مِنْهُمْ اَنْ اَمْشُوا وَاَصْبِرُوا عَلٰى اَلِهَيْبَتِكُمْ اِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ مَا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِى الْاٰخِرَةِ...»

سران مردم به راه افتادند که ای مردم، از گرد او پراکنده شوید و به راه خود بروید، به سخن او گوش مدارید و بر عبادت بت‌های خود پا بر جا بمانید. مکتب یک خدایی یک طرح سیاسی است که برای وحدت ریخته‌اند و می‌خواهند قدتهای محلی را در هم بریزند و یک قدرت کلی به وجود آورند که خود پرچمدار آن باشند، اما این طرح و برنامه را در ملت مجوس هم که امروز یک ابر قدرت جهانی است از کسی نشنیده‌ام این یک فلسفه ساختگی است که از یک خدا هم کار جنگ بیاید و هم کار صلح، هم عشق و شیدایی را هدیه کند هم نفرت و جدایی، هم خدای خیر باشد و هم خدای شر ...

«شوری/۲۷:» وَكُوِّسَطَ اللّٰهُ الرُّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِى الْاَرْضِ وَلٰكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدْرِ مَا يَشَاءُ...»

خداوند رحمان روزی بندگان را بر اساس اقتصاد سالم تقسیم می‌کند و اگر روزی خود را بر بندگان گسترده می‌ساخت ...

۵. تعبیرهای موهن و بیگانه

«آل عمران/۱۰۹:» وَلِلّٰهِ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ وَاِلٰى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُورُ»

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ملک خدا است و هر کاری به سوی او حواله می‌شود.

«آل عمران/۱۹۱:» رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ...»

تو این آسمانهای افراشته چرخان و این زمین گسترده بیجان را بیهوده و باطل نیافریدی تو از بازی و سرگرمی و توپ بازی منزّه و بر کناری ...

نساء/۸: «وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا...»

و هر گاه خویشان آن مرحوم و ایتامی که در کفالت او به سر می‌برده‌اند و کارگران کارگاه و مزرعه و کارخانه آن مرحوم بر سر قسمت حاضر شوند، آنان را از میراث مرحوم اربابشان روزی بدهید ...

نساء/۱۶: «وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُّوهُمَا فَإِن تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا...»

و آن دو تن از مردان خود را که با رفتن به خلوت مرتکب فحشا و همخوابگی شوند بعد از گواه چهار تن شاهد، هر دو را پس گردنی و چوب ترکه و لنگه کفش آزار دهید و تعزیر کنید ...

مائده/۳: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ... وَأَن تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ...»

حرام است که گوشت حلال را با قرعه و لاتاری میان صاحبان آن تقسیم کنید که این فسق و پلید است ...

مائده/۹۷: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ...»

خداوند رحمان خانه کعبه را بلکه تمام خانه حرم را بارگاه مردمان ساخت که برای شرفیابی حضور یابند و جوایز خود را دریافت دارند ... دامهای قربانی را به منظور ضیافت الهی و تغذیه کامل و تجدید قوای بدن تا حدّ سور چرانی مقرر کرد ...

انعام/۹۶: «ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ»

هندسه خداوند عزّتمند دانا این چنین است.

اعراف/۲۲: «فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن رِّقِّ الْجَنَّةِ...»

شیطان آدم و همسرش را با نیرنگ و فریب خام کرد و به سوی بوته گندم برد و چون از بوته گندم چشیدند تنبانشان بر تنشان درید و شرمگاهشان از داخل تنبان بیرون افتاد و شیطان با ریشخند شادی، آن دو را ترک کرد. آدم و همسرش با اضطراب و وحشت که چرا چنین شد و چه وضع رسوایی برایشان رخ داد به رفوگری پرداختند و برگهای درختان را بر تنبان خود وصله می‌زدند تا شرمگاه خود را از دید پریان و فرشتگان بهشتی نماند ...

اعراف/۱۰۴: «وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ...»

موسی در سنای مصر حاضر شد و گفت: ای فرعون ...

انفال/۴۴: «وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّفَيُّتُمْ فِي أَغْنِيكُمْ قَلِيلًا وَيَقَلُّكُمْ فِي أَغْنِيهِمْ...»

آن روز که شما با مشرکان روبرو گشتید خداوند عوض نزول فرشتگان طرح دیگری به کار برد: آنان را در چشم شما اندک نمود تا تشجیع شوید و ثابت قدم بمانید و شما را در چشم آنان کم و اندک نمود تا خام شوند و شما را یک لقمه چپ بشمارند ...

توبه/۶۴: «يَخْذِرُ الْمُنافِقُونَ أَن تَنْزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُم بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ...»

منافقان بعد از یک شب نشینی و چوک پراکنی به خود آمدند که مبادا باز هم سوره‌ای نازل شود و نیات شوم و پلید آنان را برملا سازد

*یوسف/۴۳: «وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ...»

حکومت فرعون سپری شد و سنت پادشاهی در مصر برقرار گردید. آن روز پادشاه مصر در برابر سنای حکومتی گفت: من در خواب دیدم ... آقایان نمایندگان: اگر در گزاره خواب و رؤیا سابقه دارید فتوا بدهید که رؤیای من چه گزاره‌ای دارد؟

نمایندگان سنا در پاسخ پادشاه خود گفتند:

*ابراهیم/۹: «جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَعْيُنَهُمْ فِي افْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ...»

رسولان نشان با دلایل ورش به رسالت آمدند و آنان دستها را در دهان نهاده سوت کشیدند و شیشکی بستند که ما به دعوت شما کافریم

*حجر/۱۸: «إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شَيْهَابٌ مُّبِينٌ...»

مگر آن شیطانی که در فرصت مناسب به چابکی از برجها بگذرد و کنکاش سنای فرشتگان را بشنود که سنگپاره آتشیینی

*مریم/۲۸: «يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعْثًا...»

ای خواهر روحانی، پدرت عمران مردی فاجر و بدکاره نبود تا این دروغ و فریب را از وی به ارث برده باشی. مادرت بازاری و سوداگر نبود تا در حال خستگی یا حالت بیهوشی مورد تجاوز قرار گیرد و ندانسته نطفه فاجران را نذر معبد نماید

*طه/۶۰: «فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ...»

با این قرار و مدار فرعون مجلس سنا را ترک کرد بعد از آن حيله خود را سامان داد

*انبیاء/۷۰: «وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ...»

مشركان خواستند که با این ایجاد بلوا و غوغای عمومی ابراهیم را نابود کنند و ما رجاله‌های غوغایی را شکست خورده تر از قضات محکمه از به در کردیم.

*نور/۲۹: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ...»

به خانه‌های غیر مسکونی مانند طویله و انبار که توشه خود را در آن جا نهاده‌اید بر شما حرجی نیست

*نور/۳۰: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ...»

به مردان مؤمن بگو که چشمهای خود را از نظر دوختن به زیر دامن دیگران فرو بخوابانند و از دامنه‌های خود نیز مراقبت به عمل آورند که چشم دیگران به زیر دامن آنان نیفتد

*روم/۳۹: «وَمَا آتَيْنَا مِنْ رَبِّا لَّيْرُبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرُبُوَ عِنْدَ اللَّهِ...»

شما مردم آنچه را به کاروانهای تجارتي و یا به شرکتها و بانکها بسپارید تا در میان سرمایه‌های دیگران سودی حاصل کند و افزون گردد در نزد خداوند رحمان سودی عاید نمی‌کند و روزی شما را افزون نمی‌سازد

سجده/۲۰: «فَمَا وَاهُمْ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا...»

جایگاهشان دوزخ است و هر چند که با محاسبات ریاضی در صدد برآیند که از دوزخ آتش دور شوند ...

احزاب/۴۰: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ...»

محمد ابوالقاسم نیست، ابو ابراهیم نیست، ابو هیچ یک از مردان شما نیست که با نام و عنوان «پدر فلانی» توقیر و تکریم شود، محمد رسول خداست ...

احزاب/۵۰: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ ... وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ ...»

ای پیامبر ما آن دسته از همسرانت را که قبلاً عقد موقت تزویج کرده‌ای و کابین آنان را هم پرداخت کرده‌ای بر تو حلال و روا کردیم ... این احکام ویژه برای آن است که تو با اعتصاب همسرانت در تنگنا نمایی و کسی را بر تو ایرادی نباشد خداوند رحمان ...

ص/۵: «إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ»

.. واقعاً طرحی است شگفت و سخنی شاخدار .

زمر/۴: «لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَكْدًا لَّاصْطَفَى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ...»

... نه آن که اجازه دهد مردم کسی را انتخاب کنند و او را به خدا بچسبانند.

فصلت/۱۲: «وَرَبَّيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

و ما آسمان نزدیکتر شما را که مریخ باشد با چراغهای آسمان دوم که در هم ریخته است مزین کردیم. این چراغهای سنگین وسیله‌ای است برای تهدید و در هم کوبیدن کافران و هم برای حصار بندی و نگهداری سناى بالاتر از نفوذ پریان. هندسه عزتمند دانا چنین است.

محمد/۳۸: «هَأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَدْعُونَ لِنُفُوقِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ...»

اینک این شما هستید که دعوت می‌شوید تا در راه خدا انفاق کنید و کسری بودجه را تأمین نمایید ...

رحمن/۵۶: «فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ أَنْسَ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ»

این جا حوران بهشتی را گاو چشم و نزدیک بین آفریده که خانه‌های همسایه را نبینند ...

جمعه/۱۱: «... قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التَّجَارَةِ ...»

بگو آن پادشاهی که نزد خدا حاضر است بهتر از سرگرمی ساز و سرناست و بهتر از مالای تجارت دنیا ...

تحریم/۳: «وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ»

به خاطر بسپارید که یک تن از همسران جوانش [پیامبر ﷺ] به او گفت: وای بر ما که بیچاره ترین زنان دنیا هستیم: نه فرزندی از شوهرمان داریم که فردا مخارج ما را به عهده بگیرد و نه حق داریم که شوهر انتخاب نماییم و نه از شوهرمان ارثی به جا می‌ماند که زندگی ما را اداره کند و رسول ما با نفرت به او نگریست و گفت: ولی من به عیان می‌بینم که بعد از مرگ من، حال و روز شما خوب می‌شود، خصوصاً تو

! که بر همگان سر می شوی و پدرت بعد از مرگ من رئیس خواهد شد رسول، بعد از آرامش روحی به او سفارش کرد که سر او را فاش نسازد ...

«مرسلات/ ۱-۴:» وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا...»

سوگند به آن فرشتگان که مانند نسیم از برج نگهبانی فرستاده شوند، پس از لحظاتی شتاب گیرند و چون تند بادی راهی پایگاه زمین گردند، و به پخش امواج بپردازند، سپس موجهای آسمانی را از موجهای شیطانی جدا سازند ...

۶. ترجمه‌های نارسا و مبهم و چه بسا نادرست

«انعام/ ۹۸:» وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَوْعٍ وَمُسْتَوْدَعٍ...»

او خداوندی است که همه شما را از یک جان پدید آورد از آن پس شما را توقفگاه ثابتی است در بدن و توقفگاه سیاری است در قبضه عزرائیل و مأمورین عالم برزخ ...

«یونس/ ۳۴:» فَأَنِّي تُوفِّكُونَ»

پی مردمان مشرک به کجا و از کجا می شوید؟

«یونس/ ۵۹:» قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أَدْنَىٰ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ»

«....»

... این نسل دام را که خداوند رحمان برای خوراک شما نازل کرده است و شما قسمتی را حرام می شمارید و قسمتی را حلال می دانید ...

«یونس/ ۳۹:» كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ...»

... امتهای پیشین هم که رسالت انبیا را تکذیب می کردند به خاطر همین بود که روز قیامت را قابل قبول نمی دانستند و با فلسفه بافی منطق انبیا را سیاه می کردند و توبنگر که فرجام سیهکاران به کجا انجامیده است؟

«هود/ ۵:» أَلَا إِنَّهُمْ يَخْتَوْنَهُمْ يَخْشَوْنَ صُورَهُمْ لَيَسْتَخِفُّوا مِنْهُ...»

چون رسول ما پیام قرآن را بر مردم تلاوت کند مشرکان سینه‌های خود را دو تا می کنند تا سر و دوش خود را از دید رسول نهان سازند ...

«یوسف/ ۲۵:» وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ...»

... پیراهن یوسف از پشت سر درید و یوسف درب خروجی را باز کرد و ناگهان هر دو تن با آقایی خود روبرو شدند که در آستانه در ظاهر گشت.

«یوسف/ ۳۷:» قَالَ لَا يَا تَيْكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا...»

یوسف به آنان گفت: من نه تنها از بازگرداندن رؤیا آگاهم، بلکه می توانم رؤیا ایجاد کنم و آنچه لازم باشد بدانم: اینک وقت نهار است هر غذایی که از خانه برای شما بیاورند پیش از آوردن غذا من به شما خبر می دهم چه غذایی می آورند ...

﴿اسراء/۱۳﴾: «وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا...»

هر انسانی که در این جهان زندگی می کند پرنده او را به گردنش الصاق کردیم و روز قیامت آن را به صورت طوماری باز و گشاده می بینید.

﴿بقره/۲۲۳﴾: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ...»

همسران شما برای شما کشتزارند هر جا که مایل باشید به کشتزار خود درآیید شبها فقط به فکر آبیاری کشتزار خود نباشید برخیزید و با نافله شب برای خود توشه ای برای آخرت بفرستید.

﴿آل عمران/۵۸﴾: «ذَلِكَ تَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ...»

این آیاتی را که بر تو می خوانیم آیات الهی است و یادواره ای از قرآن کاردان است.

﴿آل عمران/۱۳۱-۱۳۰﴾: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَاتَّقُوا النَّارَ

الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ»

شما ای اهل ایمان به جنگ با خدا اقدام نکنید و ربا نخورید چند برابر و چند برابر که سود و اصل و فرع را به حساب آورید از خشم خدا بترسید و ربا را و ابگذارید که رستگار شوید. از آتش دوزخ بپرهیزید که برای شما کافران مهیا شده است.

﴿نساء/۲۵﴾: «وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ...»

و هر کس از مردان شما استطاعت مالی نداشته باشد که با خانمهای خانه دار مؤمن ازدواج کند می تواند با کنیزان زر خرید مؤمن ازدواج کند.

﴿مائده/۶﴾: «وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ...»

اگر بیمار باشید که غسل کردن مایه خطر و یا ضرر باشد و یا در حال شفر باشید که فرصت پیاده شدن و امکان غسل نباشد یا آن که جنب نباشید بلکه یک تن از شما مؤمنان از گودال مستراح بیاید یا ...

﴿مائده/۱۸﴾: «... وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ»

همگان به سوی او می شوند.

﴿مائده/۱۰۶﴾: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ

مِنْ غَيْرِكُمْ...»

ای اهل ایمان در آن هنگام که یک تن از شما مؤمنان را مرگ فرا رسد، باید مراتب وصیت او در حضور دو تن از مردان عادل شما برگزار شود در صورتی که مسافر باشید و در غربت و یا دیار کافران اجل گریبان شما را بگیرد باید دو تن از مردان یهود و نصاری مراسم وصیت را گواه باشند. شما باید بعد از نماز عصر که هنگام فراغت از کار است و همگان برای کنکاش مسائل در مسجد حاضرند آن دو شاهد یهودی یا نصرانی را بر سر پا نگه دارید تا شهادت بدهند ...

﴿اسراء/۱۱۰﴾: «... وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا»

نماز صبح و شب را در مسجد الحرام هنگام خلوت اغیار اداکن، نماز نیمروزت را هم علنی و در برابر آنان مخوان، در خانه‌ات نیز پنهان مشو که نماز را تنها و بی حضور دیگران بخوانی، بلکه راهی میان این و آن جست و جو کن و در دامنه کوه صفا، مرکزی برای تبلیغ و تلاوت دایر کن.

«انبیا/۴۵: ... وَكَلَّا يَسْمَعُ الصَّمُ الدُّعَاءِ إِذَا مَا يُنْدَرُونَ»

... ولی کافران گوشه برای شنیدن ندارند. هر کسی ناشنوا باشد فریاد جارچی را هم نخواهد شنید که صدا به الحذر الحذر برآرد.

«فرقان/۲۳: ... وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا»

در آن روز ما گامی به جلو نهیم و ساخته‌ها و پرداخته‌های آنان را از کاخها و بوستانها و جاده‌ها و دانشکده‌ها با همه مظاهر تمدن و جلوه‌های زندگی در هم بکوبیم و چون خاک و خاکستر بر باد دهیم.

«فرقان/۳۴: ... الَّذِينَ يُخْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا ...»

آن کسانی که در روز قیامت با قوز خمیده سوار بر سنگپاره‌ها به سوی دوزخ محشور می‌شوند موقعیت شومتری دارند ...

«نمل/۸۸: ... وَتَرَىٰ الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمَادًا وَهِيَ تَمْرٌ مَّرَّ السَّحَابِ ...»

کوهپاره‌های آسمان و زمین را در آفاق خواهی دید که گویا در فضا یخ زده‌اند با آن که همچون ابر در حال عبورند ...

«احزاب/۳۲: ... يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ ...»

ای خانمهای پیامبر اگر شما تقوا را از دست ندهید با هیچ یک از خانمهای دیگر یکسان و برابر نخواهید بود. پس به خاطر حفظ تقوا آوای خود را در برابر بیگانگان نرم و هموار نکنید که آن مهاجر بیمار دل طمع ورزد و بر بیماری خود بیفزاید. شما در رابطه با حفظ تقوا باید همواره سخنان عادی و متداول بر زبان برانید و در برابر اجنبی از مسائل جنسی سخن به جد و شوخی بر زبان نرانید.

«ص/۲۴: ... قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجْتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِيَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ...»

داود گفت بی شک برادرت می‌خواهد تو را سیاه کند که میش تو را می‌طلبد تا با میشهای خود یکجا کند. بسیاری از مردم که با هم خلط و آمیزش دارند و در یک خانه به سر می‌برند از خود خواهی، به حق خود قناعت ندارند.

«ص/۶۹-۷۱: ... مَا كَانَ لِي مِن عِلْمٍ بِالْمَلِكِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ إِنِ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ إِذْ قَالَ رَبُّكَ

لِلْمَلَأِكَةِ ...»

من اطلاعی از سنای بالاتر نداشتم که چرا در کنکاش و جدل بوده‌اند. اشارتی که من دریافت می‌کنم فقط همین است که من اخطار کننده‌ام و مسؤولیتی ندارم جز این که پیام خود را آشکارا اعلام کنم. خاطر نشان ساز که آن روز در سنای بالا پروردگارت به فرشتگان گفت ...

«احقاف/۲۹: ... وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِّنَ الْجِنِّ ...»

خاطر نشان کن آن روزی که چند تن از پریان را به سوی تو چرخانیدیم ...

محمد/۱۵: «... وَسُقُوا مَاءَ حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ...»

... همانند مردم بی تقوایند که در آتش دوزخ جاودانه بمانند و آب کبریت بشوند که آب کبریت روده‌هایشان را چاک چاک سازد.

محمد/۲۹: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ...»

آیا این مهاجران بیمار دل پنداشته‌اند ...

ق/۱۷: «إِذِ تَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ...»

دو گیرنده از راست و چپ در دوشهای آدمی جا گرفته‌اند که تصویر اعمال آنان را ضبط می‌نمایند.

رحمن/۳۷: «فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ...»

ولی آن گاه که آسمان مریخ پاره پاره شود و چون گلی سرخ رنگ روشن در فضا پاشان گردد ...

۷. ترجمه‌های بدون مدرک و استناد (اعمال سلیقه)

بقره/۳۱: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ...»

بدین منظور که فرشتگان راز خلقت نو را دریابند و با اهداف آن آشنا گردند پروردگارت نان آدمیان را به آدم آموخت سپس چند تن از اشباح آنان را بر فرشتگان جلوه گر ساخت و گفت: «اگر شما به راستی از راز آفرینش نو آگاهید شخصیت این چند تن را مکشوف نمایید.

بقره/۴۸: «وَأَتَقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا... وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ»

از آن روزی بترسید که هیچ کس نتواند به دیگری سزا و پاداش دهد آن روز از کسی شفاعت و همکاری نپذیرند و از مجرمان کفیل و جانفدا نگیرند و نه از جانب ارواح عالیه نصرت شوند.

بقره/۴۹: «يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَ كُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَ كُمْ...»

پسران را سر می‌بریدند که آمار مبارزان بالا نرود و زنان را زنده می‌گذاشتند تا مشکلات خانوادگی افزون شود ...

بقره/۵۷: «وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى كُلُّوْا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ...»

و از ابرها برایتان ماهی من و سلوی فرو ریختیم و گفتیم: فقط از نعمتهای پاک ما که ماهی با فلس باشد تناول کنید، ولی آنان با حرص و ولع ماهی بی فلس را هم تناول کردند و حلال شمردند ...

بقره/۲۳۳: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ...»

مادرانی که طلاق گرفته‌اند با وجود طلاق جدایی حق دارند که فرزندان خود را تا دو سال کامل شیر بدهند و این فرمان برای آن مادر و یا پدری است که می‌خواهد دوره شیر خوارگی فرزندش را کامل نماید.

نساء/۴: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوْهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا...»

شما باید کابین خانمها را قبل از آمیزش عروسی به صورت پیشکش تقدیم کنید اگر خانمها با طیب خاطر و رضایت دل ...

نساء/۱۵۹: «وَإِنَّ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا...»

مسیح در آسمان مشتری باقی خواهد ماند تا آن روز که از آسمان نازل شود و هیچ یهودی برجا نباشد جز آن که تحقیقاً قبل از فرا رسیدن مرگ مسیح به او ایمان آورد و روز قیامت گواه اعمال آنان باشد.

انعام/۱۲۸: «وَيَوْمَ يُخْشَرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِّنَ الْإِنْسِ...»

روزی که همه آنان را از آدمی و پری برای حسابرسی در صحرای محشر گرد آوریم به آنان خطاب کرده، می‌گوییم: ای پریان که برای نوبت دوم راهی دوزخ می‌شوید به یقین دوستان فراوانی از بشر به دنبال خود آورده‌اید... .

انفال/۵۹: «وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبْقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ»

کافران تصور نکنند که بر ما پیشی گرفتند و با نقض پیمان و قتل و عام معلمان قرآن بر ما پیروز شدند ...

هود/۷۸: «وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِن قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ...»

مردم لوط با خبر گشتند و یکسر به سوی خانه لوط هجوم آوردند و از دیر باز و پیشین زمان دستاورد بدی ارائه می‌کردند. لوط خدمتکاران زن را در لباس پسران آراست و به آن مردم گفت: «ای مردم من این پسران که می‌بینید دختران منند ...»

یوسف/۲۴: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ...»

خانم که علاوه بر عشق جوانی شیفته پاکی و عصمت یوسف شده بود با علاقمندی مسأله ازدواج را مطرح کرد که بعد از طلاق گرفتن از شوهر، یوسف را خریداری کند و سپس با او ازدواج کند و اگر نه آن بود که یوسف با چشم خود برهان پروردگارش را مشاهده کرد به خانم خود قول مساعد می‌داد و تعهد می‌کرد. ما در یک لحظه خانم را در سیمای بوزینه به او نشان دادیم و به این صورت باطن او را برملا کردیم تا هر گونه بدی و فحشاء را از ساحت او دور سازیم ... یوسف که باطن خانم را باطن یک روسپی دید به سوی درب خروجی دوید ...

یوسف/۴۵: «وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنْتِزَعُ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ...»

آن برده‌ای که با یوسف در زندان بود گفت: ... مرا با اجازه رسمی به زندان سقاره بفرستید که داناترین خوابگزار ما در زندان است.

یوسف/۷۷: «قَالُوا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ قَالَ إِنَّتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا...»

برادران یوسف ... باطنز و کین به حاضران گفتند: اگر این جوان دزدی کرده باشد استبعادی ندارد برادر دیگری هم داشت که سالهای کودکی از خانه عمه‌اش دزدی کرد و مدت‌ها در خانه عمه‌اش به بردگی پرداخت. یوسف سخن را در دل گرفت... و به روی آنان نیاورد که آن دزدی یک صحنه سازی بوده که از جانب عمه‌اش برای نگه داری او صورت گرفته بود.

مریم/۶۲: «وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا»

و در آن بوستانها که شبانه روز آن یازده ساعت است خوراک بهشتیان در دو وعده صبح و شام گواراست.

طه/۲۰: «فَالْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى...»

... با این فرمان موسی عصای خود را کنار پا افزارش افکند، ولی ناگهان عصا ماری شد که می پیچید ...

فرقان/۴۶: «ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا»

... ما فرشتگان توقف خورشید را برای مردم آن نیمه دیگر که روز دائم دارند گواه آن ساختیم که تاریکی و سرما هم توقف مانده است و دیگر استراحت شب و سایه خنک به سراغ آنان نمی آید. فقط با حرکت انتقالی نرمک نرمک و ظرف یک سال سایه زمین را به دنبال خود می کشانیم و جابجا می نمودیم که شبانه روز بیست و چهار ساعتی را به شبانه روز ۸۷۶۶ ساعتی بدل نماییم.

فرقان/۶۸: «...وَلَا يَزْنُونَ...»

... و با زنان همسایه نیامیزند ...

نمل/۱۹: «رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ...»

بار پروردگارا چندان مرا در دنیا ننگه دار تا این نعمتی را که بر من و بر پدر و مادرم موهبت کرده‌ای سپاس بگزارم و به شکرانه این قدرت و شوکت، مسجدی شایسته برپا کنم که پسند خاطر ت بوده باشد ...

قصص/۲۳: «... قَالَتَا لَأَنْتَقِي حَتَّىٰ يُصَدِّرَ الرَّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ...»

ما گوسفندان خود را آب نمی دهیم تا شبانها گوسفندان خود را از گرد آب باز گردانند و ما با آب باقیمانده در حوض گوسفندان خود را آب بدهیم و تنها برادر ما خردسال است و پدر ما پیری کهن سال است.

شوری/۴۵: «وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ...»

و خواهی دید که سوار کوهپاره‌های زمین گرد زهره می چرخند و بر آتش سوزان عرضه می شوند تا کی به درون آن افکنده شوند ...

دخان/۴۳-۴۵: «إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ طَعَامٌ الْأَثِيمِ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ...»

بی شک درخت انجیر هندی، غذای زورگویان است، مانند آتش جوشان از شکمها می جوشد ...

یوسف/۹۳: «ادْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا...»

اینک پیراهن مرا با خود ببرید و بر صورت پدر بیفکنید اگر پیراهن مرا بر روی صورتش بیندازید و بوی زنبق را بشنود چشمان او ...

یوسف/۱۰۰: «...وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجْتَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ»

إِخْوَتِي...»

پروردگار من نسبت به من نیکخواهی کرد ... این همه شیرینی و تلخی و آن همه راحت و محنت از آغاز تا انتها و از قریه سیلون تا کاخ عزت همه از خواست پروردگار من بود ...

ابراهیم/۱۶: «مَنْ وَرَأَيْهِ جَهَنَّمَ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ...»

و بعد از هلاک درزخ آتش در پی است و از زردابه قیر و نفت می آشامند.

﴿اسراء/۷۲: «وَأَنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوتِيتَ وَإِلَيْكَ لِنَفْتَرِي عَلَيْهَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ خَلِيلًا...»

مشرکان برای تثبیت موقعیت خود به انواع حيله‌ها دست می‌زنند نزدیک بود که با تهدید و شکنجه تو را از فرمانی که به سویت وحی کرده‌ایم بگردانند که از نماز در مسجد دست برداری و در خانه‌ات نماز بخوانی که تکلیف ثانوی من همین است در آن صورت تو را دوست و همدل خود می‌گرفتند.

﴿اسراء/۸۰: «... وَأَجْعَلُ لِي مِنَ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَّصِيرًا»

و از پیشگاه خودت برای من سلطه‌ای برقرار کن که یاور من باشد و چون حمزه شرّ مزاحمان را از من بگرداند.

﴿کھف/۲۹: «... إِنَّا أَغْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا...»

ما برای سھیکاران که حقیقت را پرده پوشی می‌نمایند آتش ناهید را مهیا کرده‌ایم که چون سرا پرده بر سر آنان احاطه دارد ...

﴿مریم/۱۶: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَبَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا»

... آن روز که از خانواده خود جدا شد و در سمت مشرق آنان جایی خلوت برگزید تا در برابر آفتاب تن را صفا بخشد، از دید خانواده خود در پشت شاخ و برگ بوته‌ها و گندمها در حجاب شد تا بتواند لباس را از تن برکند و ما روح قدسی خود را به سویش گسیل کردیم و روح قدسی با قد و بالای بشر در برابر او ظاهر گشت، مریم که لخت و عریان بود با وحشت گفت: من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم. اگر تو مردی با تقوا بوده باشی ... مریم در صدد بود که اگر آن مرد مزاحم تعرض کند با همان سر و وضع نا هنجار لخت و عریان و آشفته مو از دست او بگریزد و خانواده خود را به کمک بخواهد که روح قدسی گفت: من از جنس بشر نیستم ...!

﴿احقاف/۱۶: «أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا... وَالَّذِي قَالَ لَوَالِدَيْهِ أَفٍّ لَكُمْ...»

اینهایی که در جمع بهشتیان بهترین دستاوردشان را که شهادت عاشورا است از آنان می‌پذیرم و از بدیهایشان می‌گذرم ... و آن پسر دیگر که با پدرش زبیر و مادرش أسماء گفت: افّ بر شما باد ...

﴿قلم/۱۹: «فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ...»

... آن شبی که با هم سوگند خوردند که فردا اول صبح ذرتهای خود را بچینند. جای تردید و شک باقی نگذاشتند و ان شاء الله نگفتند. پس صاعقه‌ای از فرمان پروردگارت بر سر بوستان چرخید و آنان در خواب بودند. شاخ و برگ ذرتهای یکسر سوخت گویا ذرتهای را قلم کرده‌اند...

﴿نبأ/۲۵: «إِلَّا حَمِيمًا وَعَسَاقًا...»

فقط طعم آب کبریت و آب نفت را باید بچشند ...

﴿غاشیه/۵: «لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ»

برای آنان خوراکی یافت نشود جز انجیر هندی.

۸. کاستیهای ویرایشی و نگارشی

- * بقره / ۱۸۲ : ذیحقّ ... و میان وارثان ذیحقّی صلحی برقرار سازد
- * مائده / ۱۱ : شما باید از خدا بترسید و در مخاطر به خدا توکل کنید
- * مائده / ۱۷ : ... پادشاهی آسمانها و زمین و پادشاهی فضای فیما بین آسمانها و زمین خداست
- * مائده / ۵۳ : در آن روز مؤمنان با لحنی ملامت بار می گویند
- * مائده / ۶۴ : ... بی شک همین آیاتی که بر تو نازل می شود و عقائد کفر آمیز و کردار ملعنت بار آنان را افشا می کند

- * مائده / ۸۹ : می گویند: بخدا نمی پوشم، بخدا نمی نوشم، ... اگر بگویند به خدا سیگار نمی کشم
- * مائده / ۹۴ : سپس یک جرعه دیگر بدهان کنند و بپرهیزند
- * اعراف / ۸۹ : اگر ما به کیش شما باز گردیم و بتهای شما را بپذیریم آنهم بعد از این لطف الهی
- * توبه / ۵۹ : ... چشم داشت ما تنها از پیشگاه خداوند است .
- * توبه / ۹۵ : ... جایگاهشان دوزخ است به سزای گناهایی که به جان میخریدند.
- * یونس / ۳۵ : ... یا آن خدائی که خود را بجایی نمی برد
- * هود / ۱۸ : کیست که سیه کارتر باشد از کسی که بر خدا افترا بدهد
- * یوسف / ۴۵ : ... داناترین معبر خواب گزار ما در زندان است.
- * یوسف / ۷۷ : ... آن دزدی یک صحنه سازی بود که از جانب عمّه اش برای نگه داری او صورت گرفته بود.
- * نحل / ۱۱۵ : ... و نه با قصه آدمکشی و تجاوز و انتقام کشی گناهی بر او بار نمی شود.
- * اسراء / ۱۸ : ... نکوهیده و ملامت بار مطرود از نعمت پروردگار.
- * طه / ۲۸ : گره از زبان من بگشا تا طاقت زبان داشته باشم
- * مؤمنون / ۱۰۴ : ... آنان با چهره ای تکیده و چشمانی به هم چقیده و لبهایی در هم کشیده رو ترش کرده اند

- * فرقان / ۵ : ... تا در نماز صبح و عصر خود انشاء کند و با طنطنه بر مردم تلاوت کند
- * نحل / ۸۱ : ... برای شما از کوهستانها غارها و کنامها بر قرار نمود تا از سورت سرما و برف و باران و تگرگ و صاعقه محفوظ بمانید.
- * قصص / ۵۹ : پروردگارت هرگز شهر و دیار مردم را درهم نخواهد ریخت مگر بعد از آنکه در عاصمه مرکزی رسولی بینگیزد

- * عنکبوت / ۶۰ : چه بسیارند جنبدگان ذیحیاتی که نمی توانند مسؤولیت روزی را
- * روم / ۴۸ : ... شادمانه به هم بشارت می دهند که امساله مزارع خرّمی داریم
- * صافات / ۹ : ... با این سنگپاره ها برای شیطانها عذابی است لازم و مزمن.
- * زمر / ۱۷ : ... آن کسانی که ایمان آوردند و از عبادت طاغوت سرکش که بر علیه خداوند رحمان ساختاری شده است

- * واقعه / ۹ : ... و یاران شئامت که چپروانند.

۹. نامگذاری سوره ها

- * سوره نساء : خانمها - بشریت. ساختاری جامعه.
- * سوره مائده : میز ناهار! حلال و حرام - تعهدات الهی. کیفر جانی. رهبری جامعه.
- * سوره انبیا : خطّ پیامبران.
- * سوره عنکبوت : خانه شرک. خانه توحید.
- * روم : اعجاز طبیعت.
- * زمر : پرواز به سوی بهشت - پرتاب به سوی دوزخ.
- * زخرف : سفال زرین.
- * دخان : شبهای قدر.
- * احقاف : یادی از عاشورا و جمل.
- * عبس : مرگ بر آدمیزاده پر تکبر.
- * تکویر : آرم قیامت.
- * مطففین : ارجاع پرونده‌ها به علین و سجین.
- * انشقاق : آویخته به پشت سر.
- * طارق : شهاب شیپوری.
- * علق : پیشانی خطاکار.